

Ethical Risk Management in Partnership Contracts of the Banking System Based on Islamic Teachings

Alireza Lashkari *

Abbas Yaqubzadeh Mojarrad **

Mohammad Khalili ***

Abstract

According to researchers, one of the main factors that prevent the widespread use of cooperative contracts by Islamic banks is the existence of moral hazard in the relationship between the bank and the recipient of the facility. The existence of the problem of moral hazard has caused non-participatory financing with fixed returns to find an important place in Islamic banking and these types of contracts are preferred over partnership contracts. Despite the various solutions that have been presented to solve this challenge, the challenge of moral hazard is still considered as an important obstacle in the implementation of partnership contracts. In this research, it has been tried to use an internal solution based on Islamic jurisprudence to regulate partnership contracts to manage moral risks. In the model of the proposed contract, the capital owner, by giving up his share in exchange for a certain amount of the final product, clearly motivates the agent to work harder and removes the bias.

Keywords: Ethical risks (Kazmanshi), partnership contracts, estimation, deed (acceptance), farm.

Classification JEL: G24, G21, G32.

* Assistant Professor, Economics, Research Institute and University, Qom, Iran, alilashkari@rihu.ac.ir

** Ph.D. student, Islamic Economics, Hohza Research Institute and University, Qom, Iran

(corresponding author), yaghoobzadeh@rihu.ac.ir

*** Level 3 scholar of Mashkat seminary in Tehran, khalilil77@outlook.com

مدیریت مخاطرات اخلاقی (کژمنشی) در عقود مشارکتی نظام بانکی براساس آموزه‌های اسلامی

علیرضا لشکری*
عباس یعقوبزاده**
محمد خلیلی***

چکیده

یکی از اصلی‌ترین عواملی که از نظر پژوهشگران مانع استفاده گسترده بانک‌های اسلامی از عقود مشارکتی شده، وجود مخاطره اخلاقی (کژمنشی) در رابطه بانک و گیرنده تسهیلات است. وجود مسئله مخاطره اخلاقی باعث شده که تأمین مالی غیرمشارکتی دارای بازدهی ثابت، جایگاهی مهم در بانکداری اسلامی پیدا کند و این نوع قراردادها نسبت به قراردادهای مشارکتی ترجیح داده شوند. باوجود راهکارهای متنوعی که برای رفع این چالش ارائه شده، هنوز چالش مخاطرات اخلاقی به‌عنوان یک مانع مهم در اجرای عقود مشارکتی محسوب می‌شود. در این تحقیق تلاش شده است براساس آموزه‌های فقهی-اسلامی از راهکاری درونی برای تنظیم عقود مشارکتی جهت مدیریت مخاطرات اخلاقی استفاده شود. در الگوی قرارداد پیشنهادی، صاحب سرمایه با واگذاری سهم خود در مقابل مقداری مشخص از محصول نهایی، به‌روشنی انگیزه عامل را برای تلاش بیشتر فراهم می‌کند و زمینه کژمنشی را برطرف می‌کند.

واژگان کلیدی: مخاطرات اخلاقی (کژمنشی)، عقود مشارکتی، تخمین، قبالة (تقبل)، مزارعه.

طبقه‌بندی JEL: G32, G21, G24.

alilashkari@rihu.ac.ir

* استادیار، اقتصاد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

** دانشجوی دکتری، اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول)

yaghoobzadeh@rihu.ac.ir

khalilil77@outlook.com

*** دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه مشکات تهران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴

مقدمه

با وجود مزیت تسهیم سود در عقود مشارکتی (PSR)^۱ نسبت به دیگر روش‌های تأمین مالی، با لحاظ انگیزه سرمایه‌گذار و عامل در پروژه و رعایت ماهیت حقوقی آنها، امکان بهره‌مندی مؤثر از عقود مشارکتی هنوز فراهم نشده است (رنجبر، ۱۳۹۷). یکی از اصلی‌ترین عواملی که از نظر پژوهشگران، مانع استفاده گسترده بانک‌های اسلامی از قرارداد مشارکت شده، وجود مخاطره اخلاقی^۲ یا کژمنشی در رابطه بانک و گیرنده تسهیلات است. وجود مسئله مخاطره اخلاقی باعث شده که تأمین مالی غیرمشارکتی دارای بازدهی ثابت جایگاه مهمی در بین بانکداران اسلامی پیدا کند و این نوع قراردادها نسبت به قراردادهای مشارکتی ترجیح داده شوند (ذوالفقاری، مروی و توتونچیان، ۱۳۹۹).

مخاطره اخلاقی یا کژمنشی یکی از موضوعات مطرح در مبحث اطلاعات نامتقارن می‌باشد. منظور از اطلاعات نامتقارن شرایطی است که سطح اطلاعات عوامل اقتصادی با یکدیگر متفاوت است و مثلاً یک عامل اقتصادی مواردی را می‌داند که عامل دیگر از آن بی‌اطلاع است. اطلاعات نامتقارن، به دو دسته کلی کژگزینی و کژمنشی تقسیم می‌شود. کژگزینی^۳ در شرایطی اتفاق می‌افتد که اطلاعات پنهان وجود دارد؛ یعنی شرایطی که یکی از طرفین قرارداد مثل تسهیلات‌گیرنده اطلاعاتی در مورد ویژگی‌های خود مانند میزان تخصص، توانایی و دیگر انگیزه‌هایش دارد؛ در حالی که طرف مقابل یعنی بانک چنین اطلاعاتی ندارد و این اطلاعات در چگونگی انجام پروژه و موفقیت آن مؤثر است. کژمنشی نیز مربوط به شرایطی است که عمل پنهان وجود دارد و یکی از طرفین قرارداد مثلاً بانک نمی‌تواند عملکرد طرف دیگر یعنی گیرنده تسهیلات را مشاهده کند و متوجه نخواهد شد که آیا او کار را به خوبی و با دقت و تلاش و مراقبت انجام می‌دهد یا خیر (Watt, 2011, p.173). در واقع، کژمنشی زمانی به وجود می‌آید که افراد قصد دارند در شرایطی که اقدامات هر یک از آنها بر توزیع احتمال ثمره کار مؤثر است، به تقسیم ریسک بپردازند؛ در حالی که رفتار یک طرف قرارداد (عامل) بر دیگری پنهان است (ذوالفقاری، مروی و توتونچیان، ۱۳۹۹).

در مسائل بانکداری مشارکتی، مشکل خطر اخلاقی مربوط به بعد از قرارداد و در انتهای فعالیت شرکت است و آن هنگامی است که متقاضیان تأمین مالی، فعالیت‌ها و عمل خود را در اجرای طرح پنهان می‌کنند. هنگامی که بانک به درخواست متقاضی تسهیلات مشارکتی پاسخ گفته و سرمایه لازم را در اختیار او بگذارد و بدون حضور و نظارت کافی، از متقاضی در انتهای فعالیت شرکت

1. Profit Sharing Ratio

2. Moral Hazard

3. adverse selection

درخواست ارائه گزارش سود و زیان کند، در این هنگام احتمال وقوع مشکل «خطر اخلاقی» وجود دارد؛ یعنی وقتی که متقاضی بدون نظارت بانک (به‌عنوان شریک دیگر) فعالیت اقتصادی را به اتمام برساند و هر یک از شرکاء در انتها برای تسویه حساب و تقسیم سهم موظف به ارائه گزارش فعالیت‌های خود باشند، در این هنگام احتمال دو انحراف وجود دارد: نخست، در ارائه گزارش سود و زیان، هزینه‌های طرح را بیش از مقدار واقع نشان دهند و دوم، سود حاصل از فعالیت را کمتر از واقع گزارش کنند. در هر دو حالت باعث کاهش سود بانک خواهد شد. این مشکل هنگامی برای بانک بروز خواهد کرد که بنا به ماهیت قرارداد مشارکت در انتهای فعالیت اقتصادی بخواهد سهم هر یک از شرکاء را از سود و زیان تقسیم کند (نصرآبادی و شعبانی، ۱۳۸۷).

مسئله نامتقارن بودن اطلاعات می‌تواند به تخصیص ناکارای منابع در یک اقتصاد منجر شود. چه‌بسا تسهیلات پرداخت شده به متقاضیان نالایق، چنانچه در اختیار افرادی قرار گیرد که این تسهیلات را در فعالیت‌های مولد به کار برند، موجب بهبود رشد اقتصادی کشور شود. همچنین، اطلاعات نامتقارن می‌تواند یکی از عوامل ایجادکننده «ریسک اعتباری» باشد.^۱ عدم بازپرداخت به‌موقع تسهیلات، موجب مطالبات معوق برای بانک‌ها می‌شود و گردش وجوه در بانک را با مشکل مواجه می‌کند (طغیانی، صمدی و صادقی، ۱۳۹۴)؛ زیرا ممکن است برخی از مشتریان از رانت اطلاعاتی شخصی به نفع خود استفاده کنند و از بازپرداخت وام‌های دریافت شده خودداری کرده یا تسهیلات گرفته‌شده را غیر از محل مورد توافق بانک صرف نمایند (زاهدی و فاطمی، ۱۳۹۰). در صورتی که در قرارداد مشارکت، بانک در جایگاه یکی از شرکاء بخواهد در طی مدت انجام فعالیت اقتصادی کنترل و نظارت مستمر داشته باشد، لازمه آن اطلاع یافتن از جزئیات فعالیت در طول مدت اجراست. اطلاع یافتن از جزئیات فعالیت از طریق فرستادن ناظر در مدیریت و اجرای فعالیت اقتصادی و یا تدبیر روشی برای انجام این عمل امکان‌پذیر است. لزوم نظارت و کنترل در قراردادهای مشارکت و متعاقباً هزینه‌های مربوط از جمله مهم‌ترین عللی است که بانک‌ها و مؤسسات مالی، یا اصلاً به سمت استفاده از این نوع اعطای تسهیلات نروند و یا اینکه با استفاده از تبصره‌های مختلف و تغییر ماهیت قرارداد مشارکت به شکل صوری از آن استفاده کنند (نصرآبادی و شعبانی، ۱۳۸۷).

چالش‌های ناشی از کژمنشی در عقود مشارکتی به‌عنوان چالش اصلی تحقق بانکداری بدون ربا تلقی شده است؛ به‌گونه‌ای که به اعتقاد طالبی و کیایی (۱۳۹۱) اساساً به دلیل قابلیت‌های نهادی بانک‌ها از یک‌سو و ویژگی‌های عقود مشارکتی از سوی دیگر، امکان صحیح اجرای عقود

۱. «ریسک اعتباری» به معنای احتمال عدم بازپرداخت تسهیلات یا تأخیر در بازپرداخت تسهیلات توسط متقاضی است.

مشارکتی در نظام بانکداری محل خدشه است. استفاده از منابع سپرده‌گذاران عمدتاً ریسک‌گریز و نبود توان تخصصی در نظارت و اجرای پروژه‌های عقود مشارکتی، از مهم‌ترین خصوصیات نهاد مالی بانک است که با اجرای مشارکت در تعارض است. در صورت اجرای عقود مشارکتی، دیگر نرخ سود بانکی نمی‌تواند به‌عنوان نرخ سود کم‌ریسک ملاکی برای ارزیابی سرمایه‌گذاری‌ها باشد. همچنین همراهی با سیاست‌های بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های پولی دچار خدشه می‌شود. وارد^۱ (۲۰۰۰) نیز ضمن اشاره به برخی از مشکلات معمول در بانک‌های دنیا مانند مواجهه با وام‌های بد، عنوان می‌دارد که بانک‌های اسلامی علاوه بر مشکلات معمول در بانک‌های دنیا، با سطح دیگری از مشکلات نیز مواجه هستند که از آن تعبیر به «مخاطره اخلاقی اسلامی» می‌کند و منظور از آن حالت‌هایی از مخاطره اخلاقی است که به دلیل شرایط فرهنگی اجتماعی کشورهای اسلامی ایجاد می‌شود. وی چهار بستر برای به وجود آمدن مخاطره اخلاقی اسلامی برمی‌شمرد که اولین بستر آن ناشی از آن است که در جوامع اسلامی اصل بر این گذاشته می‌شود که بانک‌ها و مشتریان‌شان افرادی باتقوا هستند و به‌عنوان مسلمان هیچ‌گونه خیانت یا دزدی نمی‌کنند و در این شرایط برخی از مشتریان یا کارمندان بانک با اقدامات ریاکارانه مرتکب تخلف می‌شوند و مخاطره اخلاقی اتفاق می‌افتد. بستر دوم این است که به استناد برخی قواعد دینی از پاسخگویی بانک‌ها در مقابل قسمتی از عملکردشان ممانعت می‌شود که این موضوع فضایی غیرشفاف را به وجود آورده و باعث بروز مخاطره اخلاقی می‌شود. بستر سوم مربوط به ابهاماتی است که در نظام حقوقی کشورهای اسلامی وجود دارد که مربوط به برخی از دستورات اسلام مبنی بر ضرورت مدارا و بخشش در رابطه با قرض‌گیرنده‌ای که در شرایط سختی قرار دارد. این مسئله قرض‌گیرندگان را ترغیب می‌کند که خود را در شرایط سختی تظاهر نمایند. این در حالی است که در بانکداری متعارف چنین چیزی وجود ندارد و بانک‌ها با استفاده از ابزارهایی همچون جریمه تأخیر و اخذ وثیقه منافع خود را حفظ می‌کنند. بستر چهارم نیز در رابطه بانک و سپرده‌گذار است؛ بانک قاعدتاً باید سود خود را به نسبتی که قبلاً مشخص شده بین خود (سهامداران بانک) و مشتریانی که سپرده سرمایه‌گذاری دارند تقسیم کند، اما ممکن است بانک‌ها از عدم تقارن اطلاعات سوءاستفاده نموده و نسبت بیشتری برای خود بردارند و نسبت کمتری به سپرده‌گذاران بدهند (ذوالفقاری، مروی و توتونچیان، ۱۳۹۹).

البته به نظر می‌رسد چنین دیدگاهی از آنجا ناشی می‌شود که ماهیت بانکداری اسلامی که همان ارتباط واقعی بخش پولی با بخش واقعی از طریق سازوکار عقود اسلامی است، مور غفلت

قرار گرفته باشد. بانکداری متعارف بر اساس نرخ بهره بدون ریسک، طراحی شده است و با تصور چنین ماهیتی برای بانکداری اسلامی، احیاء عقود پرریسک مشارکتی برای نظام بانکی بی‌معنا تلقی می‌گردد، درحالی‌که بانکداری اسلامی، به دنبال مشارکت در سود و زیان واقعی است. ازاین‌رو در مقابل این دیدگاه، برخی از اندیشمندان اقتصادی مسلمان معتقدند با رفع چالش‌های عقود مشارکتی می‌توان بانکداری بدون ربا را احیاء نمود. دسته‌ای از آن‌ها معتقدند که بانکداری مشارکتی می‌بایست به پروژه‌های بزرگ اختصاص یابد. زیرا نظارت بر این پروژه‌ها ساده‌تر و با هزینه‌های کمتری قابل انجام است. به اعتقاد نظرپور و لطفی‌نیا (۱۳۹۳) صندوق‌های پروژه‌محور به‌عنوان یکی از نهادهای فعال در بازار سرمایه به دلیل درگیر بودن با بخش واقعی اقتصاد و حضور مستقیم در این بخش و همچنین داشتن ارکان تخصصی همچون ارزشیاب، حسابرس و متولی، توانایی کمک به بانک‌ها برای اجرای صحیح عقود مشارکتی را دارا می‌باشند.

دسته دیگر معتقدند از طریق سازوکارهای مختلف کنترل مخاطرات اخلاقی، می‌توان عقود مشارکتی را در سطوح مختلف در بانک به‌طور صحیح اجرا نمود. راهکاری که در آیین‌نامه‌های بانک مرکزی - مصوب تاریخ ۹۲/۶/۲۶ توسط شورای پول و اعتبار - وجود دارد، آن است که جهت جلوگیری از مخاطرات اخلاقی، گیرنده تسهیلات ذیل ماده ۱۱ آیین‌نامه مشارکت مدنی موظف می‌شود مدیریت منابع و مصارف موضوع مشارکت را به نحوی به انجام رساند که در پایان دوره مشارکت، سهم‌الشرکه متعلق به بانک، به‌علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت، اعلامی از سوی شریک، به حساب بانک منظور گردد. در غیر این صورت شریک ملتزم و متعهد می‌گردد سهم‌الشرکه متعلق به بانک، به‌علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت و ضرر و زیان وارده به بانک را صلح و تبرعاً از اموال خود تأمین و پرداخت نماید.

همان‌طور که مشخص است وجود چنین شرایطی که اساساً مخالف با مقتضای عقود مشارکتی است، ماهیت آن را به عقود مبادله‌ای با نرخ سود ثابت نزدیک می‌کند. بر اساس آموزه‌های دینی، تعلق سود بازده و ارزش افزوده به دارایی‌ای که ریسک آن توسط مالک، پذیرفته نشده ممنوع است. اسلام با منع سود و ارزش افزوده از هرگونه دارایی‌ای که مخاطره آن توسط مالک پذیرفته نشده است، سیطره بر چنین سود و ارزش افزوده‌ای را غیرشرعی و باطل می‌داند. آیت‌الله هاشمی شاهرودی در تبیین مفاد آن می‌نویسد: «مادامی‌که مالی برای فردی ضمانت شده باشد به‌گونه‌ای که اگر آن مال تلف شد، ثمن آن برایش محفوظ باشد، در این صورت دیگر حق سود بردن از آن مال وجود نخواهد داشت. همان‌طور که در باب ربا، قرض‌گیرنده از طریق قرض گرفتن، ضامن مال قرض دهنده بر ذمه‌اش می‌شود. فلذا قرض دهنده دیگر نمی‌تواند از قرض‌گیرنده طلب ربح و سود کند» (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۸ق).

پیشینه

پیشنهاد صدر (۱۳۸۴) جهت کاهش مخاطرات اخلاقی، افزودن قیدهایی به عنوان شرایط معامله است. برای نمونه می‌توان گیرنده تسهیلات را مقید کرد که در پروژه‌های پرخطر سرمایه‌گذاری نکند یا می‌توان متقاضی را مقید کرد پروژه سرمایه‌گذاری‌اش را حتماً بیمه کند و یا او را مجبور به سپردن وثیقه نمود (صدر، ۱۳۸۴)، که البته با توجه به شرایط تورمی کشور، این راهکار قدیمی، در عمل، بازدارندگی موثقی به همراه نداشته است.

نصرآبادی و شعبانی (۱۳۸۷) برای کاهش مشکلات ناشی از اطلاعات نامتقارن در قرارداد مشارکت توصیه می‌کنند از روش «قراردادهای تشویقی» استفاده شود، این پیشنهاد موجب تحریک متقاضی برای تلاش بیشتر در فعالیت اقتصادی و تحقق سود بیشتر خواهد شد. برای ایجاد انگیزه و تشویق در شریک ابتدا باید حداقل مورد انتظار از بازدهی طرح مشخص شود؛ این مقدار بازدهی در صورت تحقق به نسبت سرمایه طرفین (بانک و شریک) تقسیم می‌شود. مبحث ایجاد انگیزه و تشویق از بازدهی بیشتر نسبت به حداقل بازدهی مورد انتظار شروع می‌شود، در این بازدهی اضافی می‌توان سهم شریک را از سود افزایش داد و یا اینکه می‌توان تمام آن را به شریک پرداخت کرد. این باعث تشویق و ایجاد انگیزه برای تلاش هرچه بهتر و بیشتر از جانب شریک در اجرای صحیح قرارداد مشارکت خواهد شد (نصرآبادی و شعبانی، ۱۳۸۷). زاهدی و فانی معتقد است افزایش سهم پرداختی در عقود مشارکتی، موجب افزایش تلاش متقاضی می‌گردد (زاهدی و فانی، ۱۳۹۰).

پیشنهاد دیگر آن است که از یک نظام اطلاعاتی برای افزایش اطلاعات و کاهش اطلاعات نامتقارن استفاده کرد. در این نظام مشخصات، سوابق اجرایی و دیگر اطلاعات متقاضیان ثبت می‌شود و در دسترس تمام بانک‌های مربوط قرار می‌گیرد (نصرآبادی و شعبانی، ۱۳۸۷). بهاروندی و احمدی حاجی‌آبادی (۱۳۹۱) معتقدند سیاست‌های مکملی همچون تشکیل کمیته ویژه نظارت بر طرح موردنظر در بانک، استفاده از ناظران متخصص، کارآمد و متعهد، نظارت مستمر از فعالیت اجرایی و هزینه‌ای مجری باعث می‌شود احتمال نظارت و بازرسی از منظر بنگاه افزایش پیدا کرده و به عبارتی احتمال ارائه گزارش نادرست توسط وی کاهش یابد. این درحالی است که مقوله نظارت و نیز کسب اطلاعات از وضعیت گیرندگان تسهیلات دارای هزینه است و به‌ویژه در شرایطی که تعداد گیرندگان تسهیلات زیاد باشد این هزینه بسیار بالا خواهد بود؛ ازاین‌رو این راهکارها در مقام عمل قابلیت اجرایی بالایی نخواهند داشت.

به‌منظور کاهش مشکلات ناشی از اطلاعات نامتقارن پایبندی افراد به اصول اخلاق اسلامی می‌تواند از آثار سوء کژمنشی جلوگیری نماید. عبدلی، مهرآرا و محمدپور (۱۳۹۶) معتقدند فراهم

نمودن بستر لازم برای پایبندی مشتری به اخلاق و اعتماد بانک به مشتری در راستای کاهش آثار سوء عدم تقارن اطلاعات ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، تقویت کدهای اخلاقی مانند امانتداری و صداقت و رعایت اصول اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام می‌تواند زمینه بروز پدیده کژمنشی را کاهش دهد.

همچنین، پرداخت تدریجی تسهیلات عقود مشارکتی به متقاضی به صورت مرحله‌ای، جهت اعمال نظارت بیشتر توصیه شده است (رنجبر، ۱۳۹۷). توصیه سیاستی ذوالفقاری، مروی و توتونچیان (۱۳۹۹، ص ۲۴۵) نیز آن است که نظام بانکی با ایجاد یک شبکه جامع اطلاعاتی متمرکز و یکپارچه بانکی براساس امکان استفاده مناسب از حافظه سیستم در نظام بانکی می‌تواند به کاهش مخاطرات اخلاقی کمک کند. این موضوع در قالب بانکداری متمرکز قابلیت پیاده‌سازی دارد. در این بستر نیاز است قواعد لازم جهت ارزیابی عملکرد مشتریان و امتیازدهی به آنها و چگونگی تأثیر این امتیازات در وضعیت مشتریان در دوره‌های بعدی وضع شود تا براساس این، سازوکارهای رتبه‌بندی شکل بگیرد و افراد براساس عملکردشان در هر دوره رتبه‌بندی شوند. این راهکار نیز براساس سابقه عملکرد افراد طراحی شده است و برای افرادی که سابقه‌ای نداشته یا سابقه کمی دارند، کارایی چندانی ندارد.

با وجود راهکارهای متنوعی که در حل این چالش مطرح شده است، همچنان شاهد عدم استقبال به بانکداری مشارکت در سود و زیان^۱ هستیم. همان‌طور که ذکر شد راهکارهای مختلف ارائه شده و هر یک نقاط ضعفی دارد که به‌تنهایی نمی‌تواند مشکل کژمنشی را برطرف کند. البته در این میان، راهکار تسهیم سود و افزایش سهم عام ل تا حدی مؤثر می‌باشد؛ اما نیاز است با کمک طراحی‌های جدید تقویت شود. در این نوشتار تلاش شده است براساس طراحی الگوی جدید قرارداد مشارکت مبتنی بر افزایش انگیزش عامل، به‌طور درونی مشکل مخاطرات اخلاقی را مدیریت نماید. راهکاری که تاکنون از این منظر به آن اشاره نشده است و منشأ اصلی آن به آموزه‌های اصیل فقهی برمی‌گردد؛ ولی متأسفانه تاکنون مغفول واقع شده است.

جایگاه تقارن اطلاعات در آموزه‌های اسلامی

بررسی بازار اسلامی نشان می‌دهد برابری و شفافیت اطلاعات و صداقت میان طرفین یکی از ارکان مهم معاملات اسلامی است. اسلام با در نظر گرفتن عدم تقارن اطلاعات از همان نخست در پی

ارائه مدلی از بازار بوده که مشکل اطلاعات نامتقارن در آن به حداقل رسیده و با منع معاملات مبتنی بر جهالت و نهی معاملات غرری می‌کوشد اطلاعات طرفین معامله به کامل‌ترین اندازه ممکن برسد. اسلام همواره به وجود اطلاعات نامتقارن در مناسبات اقتصادی توجه داشته و با تشریح دستورات گوناگون در جهت حذف اطلاعات نامتقارن برآمده است. از این رو، برای از بین بردن اطلاعات نامتقارن دو روش کلی را بیان می‌کند: یکی عمل به تعالیم و دستورات اسلام که با توصیه‌های درونی و انگیزشی در پی افزایش نظارت درونی فرد مسلمان است و دیگری تشریح نهادهای حقوقی که به‌عنوان ناظر بیرونی به کاهش پیامدهای این عدم تقارن در بازار می‌پردازند (صالحی و حیدری، ۱۳۹۶).

اکثر نصوص شرعی مربوط به بازار اسلامی و احکام واجب مبادله‌کنندگان در آن (مانند تحریم نجش، منع تلقی رکیبان، منع پنهان کردن عیوب کالا و به‌طور عموم منع هر نوع فریبکاری) ضرورت و فایده عملی ندارند، مگر آنکه فرض کنیم دو طرف معامله دارای اطلاعات مساوی نیستند؛ بنابراین، فرض عدم تساوی اطلاعات، خود مقوله‌ای وصفی است که بسیاری از نصوص و امرونی‌های شرعی مرتبط با بازار به‌طور ضمنی بر آن مبتنی هستند. درحالی‌که بیشتر تحلیل‌های بازار در اقتصاد متعارف به‌ویژه بازار رقابتی به‌طور صریح یا ضمنی بر این فرض استوار است که دو طرف مبادله، اطلاعات برابر دارند (انس زرقا، ۱۳۸۳).

همچنین، وجود هر یک از مؤلفه‌های اصلی اهلیت، قصد و رضایت، تسهیل‌گر تقارن اطلاعات است. عقل، بلوغ، اختیار و نداشتن حجر لازمه اهلیت برای ورود به معامله است. بدون هر یک از این عوامل بستر گردش اطلاعات مخدوش می‌شود. صغیر، میجنون و محجور، قادر به دریافت، پردازش و مبادله اطلاعات نیستند. قصد و رضایت نیز بیانگر عزم و آزادی گردش اطلاعات است (صالحی و حیدری، ۱۳۹۶). در بازار اسلامی در کنار احکام و آموزه‌های توصیه شده، سازوکار دیگری تحت عنوان اختیارات جهت کاهش عدم تقارن اطلاعات اندیشیده شده که در صورت رعایت این اصول می‌توان عدم تقارن اطلاعات را کاهش داده و از این طریق کارایی معاملات را بالا برد. درواقع، اسلام با قرار دادن اختیارات به‌عنوان جزئی از مبادله بستری را فراهم می‌آورد تا فردی که به‌واسطه کمبود اطلاعات دچار زیان می‌شود بتواند به‌راحتی به حقوقش دست یابد و از این رهگذر حق برخورداری از حداکثر سهولت، کارایی و آرامش در فرایند مبادله تضمین می‌شود (صالح‌نیا، ابراهیمی و پویا، ۱۳۹۶). بنابراین، رعایت موازین اسلامی در باب معاملات، به بیشتر شدن شفافیت، تعادل، ثبات و درنهایت کارایی بازار منجر می‌شود که طرفین معامله

احساس اطمینان و امنیت کنند و معاملات به وقت و تلاش کمتری نیاز خواهد داشت که در این صورت هزینه‌های مبادله نیز کاهش می‌یابد.

مدیریت مخاطرات اخلاقی (کژمنشی) در عقود مشارکتی

عقود مشارکتی از لحاظ اقتصادی جزء معاملات پرریسک محسوب می‌شوند؛ زیرا سود قرارداد، پیش از انجام پروژه، مقدار مشخص و ثابت ندارد؛ بلکه سود احتمالی پس از انجام پروژه به نسبت مشخصی تسهیم می‌شود. از آنجایی که سود احتمالی به عوامل مختلفی بستگی دارد، قابلیت پیش‌بینی دقیق نسبت به آن وجود ندارد و چه بسا طرفین قرارداد دچار ضرر شوند. به‌دیگر سخن، ماهیت عقود مشارکتی عبارت است از ریسک‌پذیری طرفین قرارداد. منظور از ریسک‌پذیری تمامی خطرات و خسارت وارد بر آورده فعالان اقتصادی در عقود مشارکتی، اعم از صاحبان سرمایه یا عاملان است. ریسک عامل مربوط به عایدی است و ریسک صاحب سرمایه افزون‌بر عایدی، نسبت به تلف یا خسارت اصل سرمایه نیز هست (شاکری و توکلی، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تحت یک قاعده اصطیادی، کسب سود از سرمایه بدون پذیرش ریسک جایز نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۸). از این رو امکان تضمین پرداخت اصل و سود قرارداد توسط عامل وجود ندارد؛ از این رو هر چند صاحب سرمایه و عامل در سود احتمالی حاصل از پروژه شریک می‌باشند، ولی ضرر احتمالی پروژه به صاحب سرمایه وارد می‌شود و نمی‌توان عامل را در ضرر احتمالی به سرمایه، ضامن قرار داد؛ به‌ویژه در عقد مضاربه، آشکارا به این مطلب اشاره شده است. در روایتی با سند صحیح چنین آمده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَنِ اتَّجَرَ مَالًا وَ اشْتَرَطَ نِصْفَ الرِّبْحِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ ضَمَانٌ وَ قَالَ مَنْ ضَمَّنَ تاجِرًا فَلَيْسَ لَهُ إِلَّا رَأْسُ مَالِهِ وَ لَيْسَ لَهُ مِنَ الرِّبْحِ شَيْءٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۴۰). امام باقر عليه السلام نقل می‌کند که امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: هر کسی مالی را به‌عنوان تجارت قبول کند و نصف سود را شرط کند بر آن کس ضمانتی نیست و همچنین فرمود: هر کسی تاجر (عامل) را ضامن کند (عامل، ریسک سرمایه را قبول نماید) برای او حقی جز اصل سرمایه‌اش نیست و چیزی از سود نصیبش نمی‌شود. کسی که تاجر و عامل مضاربه را ضامن نماید، چیزی از سود را مالک نخواهد شد؛ یعنی اگر صاحب سرمایه ریسک سرمایه در مضاربه را بر عهده عامل قرار دهد و وی را ضامن اصل سرمایه بداند، در این صورت نسبت به سود حاصل از تجارت و مضاربه حقی پیدا نمی‌کند. در واقع، سود و ربح تنها با پذیرش ریسک سرمایه جایز است. به نظر می‌رسد همان‌گونه که از برخی فقها نقل شده است که

وقتی در مضاربه شرط شود که ریسک سرمایه بر عهده عامل باشد این عقد منقلب به قرض می‌شود و صاحب سرمایه نسبت به سود حقی پیدا نمی‌کند (یوسفی، قنبرزاده و کلاهدوزان، ۱۴۰۱).

از این رو، در آموزه‌های اسلامی در خصوص عقود مشارکتی، ویژگی‌هایی گنجانده شده است که تا حد زیادی مخاطرات اخلاقی ناشی از ناطمینانی موجود در عقود مشارکتی را کنترل نماید. برخی از این ویژگی‌ها به‌طور کلی در همه عقود مشارکتی لحاظ شده است و برخی دیگر هرچند در باب خاصی مثل مزارعه مطرح شده است، اما قابلیت تطبیق بر دیگر عقود مشارکتی را نیز دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

الف) جایز بودن عقود مشارکتی

قرارداد یا عقد تعهدی است بین دو نفر یا بیشتر که در آن به توافق رسیده‌اند. قراردادها از لحاظ امکان فسخ یک‌سویه به دو دسته تقسیم می‌شوند: لازم و جایز. قرارداد لازم آن است که طرفین تا پایان دوره تعیین شده در قرارداد ملتزم به آن باقی بمانند و جز با توافق دو طرف قابل فسخ نیست؛ ولی در قراردادهای جایز امکان فسخ قرارداد از سوی هر یک از طرفین وجود دارد. قراردادهایی که ماهیت مشارکتی دارند، قراردادهای جایز هستند که این بر مبنای اصل مقابله با کژمنشی است. گاه ممکن است طرفین قرارداد در یک تعامل راهبردی اطلاعات مساوی متقارن نداشته باشند. در احکام شرکت و عقود و ایقاعات مشابه ضوابطی در نظر گرفته شده است که از بروز این پدیده تا حد زیادی می‌کاهد. عقود مشارکتی اساساً قراردادهایی جایزند؛ یعنی طرفین هرگاه مایل باشند حق دارند آن را به هم زنند؛ پس انجام دادن یا ندادن هر عملی که موجب بدگمانی طرف مقابل شود، موجب استفاده او از حق به هم زدن قرارداد می‌شود که خودبه‌خود به نفع طرف دیگر نیست (صالحی و حیدری، ۱۳۹۶).

ب) تسهیم سود در عقود مشارکتی

در قراردادهای مالی بانکداری اسلامی مؤلفه متفاوت و متمایز دیگری در عقود مشارکتی، نظیر نسبت تسهیم سود (PSR) حاصل از پیامد پروژه، وجود دارد که می‌تواند در راستای ارائه قرارداد مالی با توجه به میزان تسهیم سود بهینه بین طرف‌های قرارداد مالی به کارایی این قرارداد منجر شود و بانک یا مدیر پروژه به دلیل هزینه‌دار بودن نظارت می‌تواند قدری از نظارت خود را کم کند و در عوض، سهم پیامد را از طریق اثر علامت‌دهی مؤلفه‌های قرارداد مالی افزایش دهد. به‌دیگر سخن، از آنجاکه امکان حذف هزینه نظارت وجود ندارد، می‌توان با بهره‌مندی از رویکرد

علامت‌دهی مؤلفه‌های قرارداد مالی از جمله نسبت تسهیم سود در عقود مشارکتی، برای تعدیل آن اقدام کرد (رنجبر، ۱۳۹۷).

کژمنشی زمانی رخ می‌دهد که در تعاملات بین بانک و مشتری یکی از طرفین معمولاً مشتری اطلاعات بیشتری در خصوص کارایی خود و میزان تلاش و کیفیت اقدام در اختیار دارد و این اطلاعات برای بانک قابل مشاهده نیست و نمی‌توان در قرارداد نیز به صورت صریح آن را وارد کرد و مشتری در شرایط عادی معمولاً از آن به نفع خود استفاده می‌کند و در چنین شرایطی بانک باید موقعیت‌هایی را تدارک نماید تا انگیزه برای مشتری ایجاد شود که از اطلاعات و توانایی خود به گونه‌ای استفاده کند که بانک نیز از نتیجه آن بهره‌مند شود. به عبارت دیگر، بانک باید قراردادهای را به صورتی طراحی نماید که با وجود اطلاعات نامتقارن و عدم آگاهی از چگونگی به‌کارگیری تلاش و کوشش در حین اجرای قراردادهای مشارکت، حداکثر تلاش برای انجام فعالیت توسط مشتری به کار گرفته شود (زاهدی و وفا و قوامی، ۱۳۹۰).

از این رو، می‌توان گفت: با تغییر نسبت تسهیم سود به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم عقود مشارکتی، احتمال بروز پدیده‌های اطلاعات نامتقارن از سوی عامل به دلیل تقویت انگیزه وی در تسهیم پیامد پروژه را کاهش می‌دهد. بنابراین، در راستای بهبود کارایی انعقاد قرارداد می‌توان به تعدیل شاخص یادشده اقدام کرد؛ به نحوی که مؤسسه مالی ضمن کاهش درصد سهم خود از نسبت تسهیم پیامد پروژه سبب انگیزه عامل یا شریک در بهبود پیامد پروژه از طریق ایجاد انگیزه بیشتر شود و در نتیجه هر دو طرف از این تبادل درصد سهم مشارکت، برنده تلقی شوند (رنجبر، ۱۳۹۷).

ج) تخمین مقدار سود و تقبیل (قباله) سهم صاحب سرمایه به عامل

یکی از مباحث پیشرفته در بحث حل مشکل کژمنشی فعال کردن انگیزه طرفین برای انجام بهتر تعهدات است. نظریه «انگیزه‌ها» بخشی از نظریه «قراردادها» است که در آن انگیزه‌ها به‌عنوان موتور محرک فعالیت‌های انسانی و عامل شکل‌گیری تعاملات مطالعه می‌شوند. در این نظریه، تعاملات بازیگران اقتصادی معمولاً در قالب کارفرما و کارگزار در شرایط نبود تقارن اطلاعات تحلیل می‌شود؛ به گونه‌ای که رفتار شخص مطلع، مخالف منافع طرف دیگر قرارداد نباشد (الگوهای کژمنشی). نظریه «انگیزه‌ها» به دنبال فراهم آوردن شرایطی است که در آن با تحریک انگیزه‌ها، دو طرف قرارداد به سمت بهینگی حرکت کنند (طغیانی، صمدی و صادقی، ۱۳۹۴). تخمین و تقبیل (قباله) سهم یکی از شریکین به دیگری از مدل‌های پیشرفته ذیل قرارداد مشارکت است که با فعال کردن انگیزه طرفین، ثمرات زیادی در جلوگیری از کژمنشی خواهد داشت که در ادامه بحث خواهد شد.

بررسی مدلول روایات

در آموزه‌های فقهی در کتاب مزارعه روایاتی وجود دارد^۱ که در آن به مسائلی همچون «تخمین» و «تقبیل، تقبیل، قباله» پرداخته شده است که در حل چالش تحقیق حاضر راهگشاست. برای توضیح بیشتر، ابتدا مدلول روایات بررسی می‌شود:

روایت اول: مرسله محمد بن عیسی: محمد بن الحسن یاسنادیه عن أحمد بن محمد بن محمد بن عیسی عن بعض أصحابه قال: قلت لأبي الحسن (علیه السلام) إن لنا أكرة فنزارعهم فيقولون قد خزرتنا هذا الزرع بكذا وكذا فأعطوناة و نحو تضمن لكم أن نعطیکم حصته علی هذا الحزر قال و قد بلغ قلت نعم قال لا بأس بهذا قلت فإنه یجیء بعد ذلك فيقول لنا إن الحزر لم یجیء كما خزرت قد نقص قال فإذا زاد یرد علیکم؟ قلت لا قال فلکم أن تأخذوه بتمام الحزر كما أنه إذا زاد كان له، كذلك إذا نقص (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۵۰).

هرچند این روایت به دلیل وجود «بعض اصحابه» در سند آن مرسل محسوب می‌شود، اما به نظر می‌رسد تعبیر «بعض اصحابه» به معنای کسانی است که معتمد و مورد وثوق راوی بوده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰).^۲ بنابراین، از این حیث مشکلی در موثقه بودن روایت پیش نمی‌آید. محمد بن عیسی از یکی از شیعیان روایت می‌کند که به امام موسی بن جعفر (علیه السلام) گفت: «کشاورزانی برای ما کار می‌کنند و ما با آنها قرارداد مزارعه می‌بندیم. آنان به ما می‌گویند: ما تخمین می‌زنیم که این کشت، فلان مقدار محصول می‌دهد و ما سهم شما را بر این مقدار عهده‌دار می‌شویم. ما نیز به این شرط زمین را به آنان واگذار می‌کنیم. امام (علیه السلام) پرسید: آیا به این مقدار می‌رسد؟ گفتم: آری. امام (علیه السلام) فرمود: اشکال ندارد. گفتم: در پایان می‌گوید: محصول کاهش یافت و آن مقدار به دست نیامد! امام (علیه السلام) فرمود: اشکال ندارد. آیا در صورتی که افزایش می‌یابد، به شما می‌پردازد؟ گفتم: نه. امام (علیه السلام) فرمود: شما حق دارید تمام آن مقدار تخمین زده شده را از وی درخواست کنید. همان‌گونه که در صورت افزایش مقدار، افزوده برای کشاورزان است، همین‌طور در صورت نقصان، [به زیان آنهاست].»

روایت دوم: صحیح‌ه سهل بن الیسع الاشعری: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى (علیه السلام) عَنِ الرَّجُلِ يَزْرَعُ لَهُ الْحَرَاثُ الرَّغْرَانَ وَيُضْمَنُ لَهُ عَلَى أَنْ يُعْطِيَهُ فِي كُلِّ جَرِيْبٍ أَرْضٍ يُمَسَّحُ عَلَيْهِ وَزَنَ كَذَا وَ كَذَا دِرْهَمًا فَرُبَّمَا نَقَصَ وَ غَرِمَ وَ رَبَّمَا اسْتَفْضَلَ وَ زَادَ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا تَرَاضَيَا (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۴۹).

۱. باب ۱۴: بَابُ أَنَّهُ يَجُوزُ لِصَاحِبِ الْأَرْضِ وَ الشَّجَرِ أَنْ يَخْرُصَ عَلَى الْعَامِلِ وَ الْعَامِلِ بِالْخِيَارِ فِي الْقَبُولِ فَإِنْ قَبِلَ لَزِمَهُ زَادَ أَوْ نَقَصَ

۲. درس خارج فقه، ۱۳۹۰/۹/۲۲

سهل گوید: «از امام موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کردم: کشاورزان برای شخصی زعفران می‌کارند و کفالت می‌کنند که در هر جریب زمین، مقدار معینی زعفران، (که معادل یک درهم است) به آن شخص بدهند؛ ولی گاه محصول از این مقدار کمتر می‌شود و غرامت می‌پردازند و گاه بیشتر می‌شود. امام علیه السلام فرمود: در صورت رضایت آنها اشکال ندارد».

روایت سوم: صحیحہ یعقوب بن شعيب: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْتِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَزَارَعَةِ فَقَالَ التَّفَقُّةُ مِنْكَ وَالْأَرْضُ لِصَاحِبِهَا فَمَا أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ قُسِمَ عَلَى الشَّرْطِ وَ كَذَلِكَ قَبْلَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله خَيْرٌ - أَتَوْهُ فَأَعْطَاهُمْ إِيَّاهَا عَلَى أَنْ يُعْمَرُوهَا عَلَى أَنْ لَهُمْ نِصْفٌ مَا أَخْرَجَتْ فَلَمَّا بَلَغَ الثَّمَرُ أَمَرَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ رَوَاحَةَ فَخَرَصَ عَلَيْهِمُ النَّخْلَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهُ خَيْرَهُمْ فَقَالَ قَدْ خَرَصْنَا هَذَا النَّخْلَ بِكَذَا صَاعًا فَإِنْ شِئْتُمْ فَخَذُوهُ وَ زِدُوا عَلَيْنَا نِصْفَ ذَلِكَ وَ إِنْ شِئْتُمْ أَخَذْنَاهُ وَ أَعْطَيْنَاكُمْ نِصْفَ ذَلِكَ فَقَالَتِ الْيَهُودُ يَهَذَا قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۲۳۳).

یعقوب بن شعيب گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره مزارعه سؤال کردم. امام علیه السلام فرمود: تو هزینه کشت را می‌پردازی و زمین دار، زمینش را می‌دهد. آنگاه آنچه خداوند عنایت فرمود، براساس قرارداد تقسیم می‌شود. این‌گونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبیر را به اهلش واگذار کرد. آنان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و آن حضرت خبیر را به این شرط در اختیار آنان گذاشت که آن را آباد کنند و نصف محصولش برای آنان باشد. وقتی محصول خبیر رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله به عبدالله بن رواحه دستور داد تا خرماي درختان را برایشان تخمین بزند. عبدالله پس از تخمین خرماي خبیر، یهودیان را در انتخاب آزاد گذاشت و به آنان گفت: ما خرماي این درختان را به فلان مقدار تخمین زدیم. اگر می‌خواهید، آن را بردارید و نصف آن مقدار را به ما بپردازید و اگر بخواهید، ما آن را برمی‌داریم و نصف آن مقدار را به شما می‌دهیم. یهودیان گفتند: آسمان و زمین به این [عدالت] استوار است». افزون‌بر روایاتی دیگر در باب مزارعه، روایاتی نیز به همین مضمون در بحث بیع ثمار و همچنین، بحث نحوه گرفتن زکات آمده است.

بررسی فقهی قباله (تخمین و تقبل)

از منظر فقهی در عقد مزارعه، برای هر کدام از زارع و مالک جایز است که در وقت بدو صلاح، حصه دیگری را به حسب تخمین، به مقدار معینی از محصول زراعت، با تراضی قبول نماید. مثلاً، چنانچه درختی بین دو نفر یا بیشتر مشترک باشد، یکی از آنان می‌تواند پس از تخمین، سهام بقیه را در مقابل مقداری معلوم از محصول تقبل نماید، مثل اینکه پس از تخمین مقدار میوه باغ، یکی

از شریکین به دیگری بگوید سهم خود را مثلاً به ده خروار از همین محصول باغ به تو واگذار نمودم و دیگری بگوید قبول کردم. تخمین محصول و معاوضه سهم یکی از طرفین به دیگری، بین فقهای عامه محل اختلاف است؛ ولی عالمان شیعه به طور مسلم قبول دارند که اصل تخمین و قباله در عقد مزارعه، عمل جایز و صحیحی است.^۱ از فقهای شیعه فقط ابن ادریس، آن را باطل می‌داند (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۵۰). چهار مطلب مهم در این بحث وجود دارد: مطلب اول آن است که مراد فقها از تخمین (خرص) در اینجا چیست. در این رابطه، سه احتمال قابل ذکر است: احتمال اول اینکه، مراد همان معنای لغوی تخمین باشد که در حقیقت، تنها یک اماره برای تشخیص مقدار محصول نهایی است. بنابراین، اعتماد بر تخمین تا وقتی حجت است که بعداً کشف خلافی در مقدار محصول رخ ندهد؛ اما چنانچه بعداً مشخص شد مقدار محصول نهایی با مقدار تخمین زده برابر نیست، دیگر تخمین قبلی حجیتی ندارد؛ از این رو، آن مقداری که از مقدار تخمین کمتر گرفته شده باشد، ضامن است و آنچه زیاد پرداخت شده، باید به مالک برگشت داده شود (همدانی، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۴۲۳). البته این احتمال، مخالف فتوای مشهور شیعه است و با ظاهر روایات که مقدار نقصان را ضامن نمی‌داند، سازگار نیست.

احتمال دوم، که از عبارات قدماى فقها استفاده می‌شود، این است که مراد از خرص و تخمین، آن آثاری است که بر تخمین مترتب می‌شود؛ به این معنا که خود تخمین، توافقی است که طی آن، محصول مشترک بین شریکین تقسیم می‌شود. بنابراین، تخمین یک نحوه تقسیم مال است که براساس آن، مقدار مالکیت محصول برای طرفین، مورد رضایت قرار می‌گیرد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰).^۲ احتمال سوم، آن است که تخمین، مقدمه‌ای برای نوعی معامله و مبادله جدید بین دو طرف باشد؛ به این معنا که براساس تخمین صورت گرفته، طرفین یک معامله جدیدی بنا می‌کنند؛ یعنی در طول تخمین، یک معامله انشایی جدید واقع می‌شود که طبق این توافق، اگر معلوم شد که مقدار تخمین، کمتر یا بیشتر از واقع بوده است، دیگر تأثیری ندارد. از آنجاکه در روایات بعد از تخمین، از واژه «تضمین» استفاده شده است،^۳ ظهور در آن دارد که تخمین تنها مقدمه معامله جدیدی است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۲۵۸؛ منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۶۰).

۱. مسئله ۱۶. برای هر کدام از زارع و مالک جایز است که در وقت رسیدن حاصل، حصه دیگری را به حسب تخمین، به مقدار معینی از حاصل زراعت، با تراضی قبول نماید و اقوی آن است که بعد از قبول، از دو طرف لازم می‌باشد؛ اگرچه بعد از آن معلوم شود که حصه‌اش زیاده یا کمتر می‌باشد. پس کسی که قبول کرده، تمام آن مقدار به عهده او می‌باشد؛ ولو اینکه معلوم شود که حصه طرف دیگر کمتر از آن است. چنان که بر طرف دیگر لازم است که آن را قبول کند؛ اگرچه معلوم شود که حصه‌اش بیشتر از آن است و حق مطالبه زیادی را ندارد (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص ۷۲۵).

۲. درس خارج فقه، ۱۳۹۰/۹/۲۰

۳. فَيَقُولُونَ قَدْ حَزَرْنَا هَذَا الزُّعْعَ بِكُنَّا وَ كَذَا فَأَعْطَوْنَاهُ وَ نَحْرُ نَضْمَنُ لَكُمْ أَنْ نُعْطِيَكُمْ حِصَّتَهُ عَلَى هَذَا الْحَزْرِ...

طبق احتمال سوم، باید مشخص شود که ماهیت این معامله جدید که بعد از تخمین منعقد می‌شود، چیست. فقها در پاسخ به این پرسش، سه نظر را مطرح کرده‌اند: بیع، صلح و عقد مستقل. مشهور فقها این توافق را عقد مستقلی دانسته‌اند. برخی از آنان، این عقد مستقل را همان طورکه در لسان برخی روایات آمده است، تحت عنوان عقد قبالة یا تقبیل قرار داده‌اند؛ البته به نظر می‌رسد عنوان تقبل و یا قبالة در روایات، به همان معنای لغوی است که به معنای قبول و پذیرفتن زمین یا درخت می‌باشد و از همین جهت، لفظ قبالة در مورد عقد اجاره و مزارعه زمین نیز اطلاق می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰).^۱

صاحب جواهر بیع بودن آن را به خلاف علامه حلی بعید می‌داند؛ زیرا در روایات به بیع بودن آن تصریح نشده است و همچنین، با چندین قاعده مخصوص بیع مخالفت دارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۱۲۳). از جمله اینکه در بیع، ثمن و مثنی نمی‌تواند از یک جنس باشد؛ زیرا چنانچه عوض و معوض از یک جنس باشد، داخل در بیع محاقله و مزاینه می‌شود^۲ که اجماعاً باطل است و همچنین، در این حالت، اگر مقدار عوض و معوض یکسان نباشد، ربای معاوضی خواهیم داشت. برخی دیگر شبهه غرری بودن این بیع را مطرح نموده‌اند که چون مقدار محصول آینده، هنوز محقق نشده است، مقدار ثمن غرری می‌باشد. البته از آنجایی که صحت معامله تخمین و قبالة اجماعاً صحیح است، چنانچه ماهیت آن، بیع باشد، از بیع محاقله و مزاینه استثناء می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه ثمن، بخشی از محصول محقق شده است و مثنی، سهم انتظاری از محصول است، اساساً ثمن و مثنی از یک سنخ نبوده و شبهه ربا در آن مطرح نمی‌شود و اساساً مثنی از سنخ مکمل و موزون نمی‌باشد.

از طرف دیگر، چون تخمین براساس یک نظر کارشناسی شکل گرفته است، این مقدار جهالت نیز غرر محسوب نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۳)؛^۳ اما به نظر می‌رسد با توجه به چالش‌های مطرح، لزومی ندارد این عقد را ذیل عنوان عقد بیع قرار داد؛ بلکه برخی از فقها، عقد قبالة را جزء عقد صلح در نظر گرفته‌اند تا چالش محاقله و مزاینه و شبهه ربوی و غرری بودن مطرح نشود؛ زیرا

۱. درس خارج فقه، ۱۳۹۰/۹/۲۱

۲. بیع محاقله، حرام و باطل است، و قدر متیقن از حرمت، فروش سنبل گندم در برابر مقدار معینی دانه گندم از همان سنبل است. حکم فروش سنبل در برابر دانه گندم از غیر آن سنبل نیز بنا بر مشهور فقها، همین حکم را دارد (بحرانی، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۵۵) فروختن میوه موجود بر نخل در برابر خرما همان نخل، حرام و معامله باطل است و حتی بنا بر نظر مشهور، در برابر خرما دیگر نیز همین حکم را دارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۹۲).

۳. درس خارج فقه، ۹۳/۱۱/۲۵

فقها مصالحه یک مال در مقابل بخشی از آن را جایز می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۱۲۴). البته در نصوص مربوطه، هیچ اشاره‌ای به صلح بودن این عقد نشده است.

مطلب دوم آن است که این عقد، یک عقد لازم خواهد بود. چنانچه آن را بیع و صلح بدانیم، لازم بودن آن مشخص است و در صورتی که آن را عقد مستقل قرار دهیم، اصالت لزوم شامل آن می‌شود. از این رو، برای لازم شدن این عقد، باید از صیغه خاصی برای انشاء آن استفاده شود؛ در حالی که بسیاری از نصوص مربوطه، نسبت به نوع انشاء صیغه ساکت می‌باشد. در این راستا برخی از فقها صیغه صلح را برای انشای عقد پیشنهاد داده‌اند. در مقابل برخی دیگر معتقدند برای انعقاد این عقد از همان لفظ تقبیل باید استفاده شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۱۲۴).

مطلب سوم در مورد سود و زیان احتمالی برای شخص متقبّل (قبول‌کننده) است. مقتضای معامله و لازم بودن قبالة، آن است که زیادت و نقصان، هر دو برای شخص متقبّل باشد (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۶۱). روایات قبالة^۱ به این مطلب تصریح دارد که بعد از معاوضه سهم مالک از محصول به طرف مقابل، چنانچه محصول نهایی محقق شده، بیش از مقدار تخمین زده باشد و یا کمتر، در هر صورت، آن زیاده و نقصان، هر دو متعلق به شخص متقبّل است و متقبّل باید در هر دو صورت، مقدار سهم طرف مقابل را همان‌طور که قرار گذاشته بودند، کامل پرداخت نماید. اما سؤال مهم در مسئله آن است که چنانچه مقدار محصول نهایی به دست آمده، از مقدار تخمین زده شده به حدی کمتر بود که با آن نتوان مقدار سهم مالک زمین از مزارعه را پرداخت نمود، آیا عامل باید مقدار تفاوت بین محصول به دست آمده و مقدار سهم صاحب زمین را ضمانت نماید و از جیب بپردازد یا نسبت به آن ضامن نیست؟ صاحب جواهر معتقد است در این حالت، متقبّل (عامل) نسبت به پرداخت مابه‌التفاوت ضامن نیست؛ زیرا این حالت نادر الوقوع است و روایاتی که نقصان را از جیب متقبّل می‌داند، شامل چنین مواردی نمی‌شود و از آن انصراف دارد. در نتیجه، متقبّل همه محصول محقق شده را به دیگری می‌دهد و نسبت به مابه‌التفاوت آن با سهم قرارداد شده، ضامن نیست (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۱۲۷). همچنین، تضمین سود برای صاحب سرمایه در عقود مشارکتی به طور مطلق، پذیرفتنی نخواهد بود؛ زیرا با روح تسهیم سود و زیان در عقود مشارکتی منافات دارد.

مطلب چهارم نیز آن است که مشهور فقها معتقدند چنانچه محصول نهایی به ثمر نرسید و همه محصول بدون افراط و تفریط تلف شد، برعهده شخص متقبّل، ضمانتی نسبت به تعهداتش به

۱... فَلَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوهُ بِتَمَامِ الْحَظْرِ كَمَا أَنَّ إِذَا زَادَ كَانَ لَهُ، كَذَلِكَ إِذَا نَقَصَ...

طرف مقابل وجود ندارد و موظف به پرداخت ثمنی به او نیست. به عبارت دیگر، پرداخت ثمن توسط عامل به صاحب سرمایه، مشروط به سلامت محصول نهایی است.

توضیح مطلب چهارم به این صورت است که بعد از معاوضه (قباله)، سهم صاحب سرمایه در مقابل مقداری مشخص از محصول آینده، به عامل منتقل می‌شود. ثمن این معاوضه (همان مقدار مشخص از محصول آینده) به صورت امانت در اختیار عامل قرار دارد. چنانچه محصول نهایی بدون افراط و تفریط، تلف شود، ضمانتی نسبت به ثمن معاوضه برای شخص عامل (متقبل) وجود ندارد (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۶۱). این حکم منافاتی با صحت معاوضه ندارد؛ زیرا در معاوضه (قباله)، ثمن در مقابل مثن واقع شده است؛ به گونه‌ای که ثمن بخشی از مثن محقق شده باشد. بنابراین، در صورت تلف شدن محصول نهایی، عوضین معامله هر دو با هم تلف می‌شود، بدون اینکه ضمانتی وجود داشته باشد. همچنین، اشتراط سلامت محصول نهایی به این معنا نیست که در صورت تلف شدن محصول نهایی، عقد منفسخ می‌شود؛ بلکه می‌توان گفت: سلامت محصول نهایی شرطی ذیل عقد قباله و متعلق به ثمن معامله است. حتی چنانچه عقد قباله را نوعی صلح بدانیم که دو طرف نسبت به عوض و معوض ضامن می‌باشند، باز هم می‌توان گفت در عقد صلح، پرداخت عوض مشروط به سلامت معوض لحاظ شده است و منافاتی با صحت و بقاء صلح ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۱۲۵).

تعمیم موارد کاربرد قباله به سایر عقود مشارکتی

افزون بر مزارعه، در کتاب زکات نیز به جواز تخمین عاملان زکات برای غلات چهارگانه اشاره شده است^۱ که از طرف حاکم شرع، با افرادی که محصول زکوی داشتند، از این راهکار استفاده می‌کردند. بدین گونه که اهل خبره، مقدار غله را تخمین می‌زدند که آیا محصول زکوی به نصاب رسیده است یا خیر، و اگر زکات به آن تعلق گرفته است، چه مقدار زکات دارد. تخمین مقدار محصول خرما و انگور پس از بدو صلاح که بنا بر مشهور، زمان تعلق زکات به غلات می‌باشد، جایز است. این راهکار، نوعی تقویم و کارشناسی در کمیت محصول است و قبل از قطع و درو کردن محصول، این کار متعارف بوده است. در روایات هم آمده است که پیامبر ﷺ مقوم را می‌فرستادند تا زکات را بر مالکین تخمین زند. شاید حکمت این حکم نیز آن باشد که از این راه، جلوی کژمنشی در پرداخت زکات گرفته می‌شود.

۱. [مسئله ۳۲]: يجوز للساعي من قبل الحاكم الشرعي خرص ثمر النخل و الكرم بل و الزرع على المالك.

همچنین، از روش تخمین و قباله در بیع ثمار نیز استفاده می‌شود. در بیع ثمار اثبات شده است که چنانچه درختی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از آن دو، حصه دیگری را بعد از تخمین میوه درخت تقبل کند، شرعاً جایز می‌باشد و نقصان و زیادت محصول نهایی، بر عهده شخص متقبل است.^۱ از آنجایی که بیع ثمار بعد بدو صلاح صورت می‌پذیرفت، تا موقع رسیدن محصول نهایی انگیزه صاحب باغ رو به افول می‌رفت و امکان کم و کاستی از سوی او وجود داشت، زیرا او ثمن را ابتدائاً دریافت کرده بود، از این رو راهکار تخمین و تقبل راهکاری مفید در بیع ثمار برای جلوگیری از کاهش انگیزه صاحب باغ خواهد بود. صاحب جواهر احتمال می‌دهد تقبیل در غیر ثمار هم جریان داشته باشد، به‌ویژه که اگر قباله نوعی صلح باشد که قابلیت جریان در دیگر موضوعات را هم دارد؛ زیرا اساساً حکمت مشروعیت تخمین و قباله، به دلیل ترس از خیانت طرف مقابل است تا از این راه بتواند نوعی بازدارندگی ایجاد نماید (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۱۲۷).

با توجه به موارد مختلف کاربرد تخمین و تقبیل در ابواب مختلف فقهی، به نظر می‌رسد این شیوه مخصوص به عقد مزارعه نباشد و بتوان آن را در دیگر انواع عقود مشارکتی نیز جاری نمود. هر چند انواع عقود مشارکتی در برخی از احکام مختص به خود متمایز می‌باشند، اما دارای روح واحد مشترکی هستند. یکی از ارکان اصلی عقود مشارکتی، مشارکت کار و سرمایه است که همان جوهره اصلی عقلایی امضاء شده توسط شارع در عقود مشارکتی است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۷). همچنین، ریسک‌پذیری طرفین قرارداد، یکی دیگر از ارکان اصلی عقود مشارکتی محسوب می‌شود. منظور از ریسک‌پذیری، تمامی خطرات و خسارت وارد بر آورده فعالان اقتصادی در عقود مشارکتی، اعم از صاحبان سرمایه یا عاملان است (شاکری و توکلی، ۱۳۹۷). از این رو، به نظر می‌رسد احکامی که مرتبط با ارکان اصلی عقود مشارکتی باشد، قابلیت تعمیم به همه انواع عقود مشارکتی را داشته باشد؛ ولو که در ادله شرعی، فقط برای یک نوع خاصی از عقود مشارکتی مطرح شده باشد. در این راستا، آیت‌الله هاشمی شاهرودی قاعده «بطلان ربح ما لم یضمن» را به‌عنوان یک قاعده کلی تعمیم داده است که مفاد آن، «ممنوعیت کسب سود از سرمایه بدون قبول ریسک سرمایه» می‌باشد؛ هر چند ممنوعیت سودبری صاحب سرمایه در فرض تضمین اصل سرمایه در عقد مضاربه مطرح شده است (۱۴۱۸، ص ۲۲).

در موضوع تحقیق حاضر نیز به نظر می‌رسد تخمین و تقبل سهم یکی از طرفین، حکمی است که به‌طور خاص به عقد مزارعه منحصر نمی‌شود؛ بلکه یک راهکار مناسب برای مدیریت کژمنشی

۱. بَابُ أَنَّهُ إِذَا كَانَ بَيْنَ اثْنَيْنِ نَحْلٌ أَوْ زَوْعٌ جَازَ أَنْ يَتَقَبَّلَ أَحَدُهُمَا بِحِصَّةِ صَاحِبِهِ مِنَ الثَّمَرَةِ بِوَدْنٍ مَعْلُومٍ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۲۳۱)

و مخاطرات اخلاقی در عقود پرریسک مشارکتی است. این راهکار درعین حال که ریسک‌پذیری طرفین معامله را به رسمیت می‌شناسد به دنبال آن است تا راه سوءاستفاده فردی که عمل پنهانی او قابل مشاهده نیست، کنترل شود. استفاده از این روش در جمع‌آوری زکات نیز شاهد خوبی برای عدم انحصار آن در عقد مزارعه است.

تبیین الگوی برگزیده در عقود مشارکتی

براساس آموزه‌های فقهی-اسلامی، رابطه مؤسسه تأمین مالی اسلامی و مشتری متقاضی تسهیلات را می‌توان به گونه‌ای تنظیم نمود که کژمنشی متقاضی، تا حد قابل توجهی کنترل شود. انعقاد قرارداد مشارکت با در نظر گرفتن تخمین و قباله در ضمن آن، انگیزه متقاضی تسهیلات را برای تلاش بیشتر حداکثر می‌کند. قرارداد جدید مشارکت به این گونه تنظیم می‌شود که مؤسسه تأمین مالی اسلامی، بعد از ارزیابی دقیق پروژه‌های مشارکت پیشنهادی، درصد سهم‌بری طرفین قرارداد را مشخص می‌کند و همچنین مقدار سودآوری پروژه را به صورت اولیه تخمین می‌زند. مؤسسه تأمین مالی برای جلوگیری از مخاطرات اخلاقی ناشی از سوءاستفاده متقاضی تسهیلات، بعد از تخمین اولیه محصول پروژه و بر اساس درصد سهم عقد مشارکت، مقدار سود انتظاری خود از پروژه را اعلام می‌کند و آن را هدف سوددهی خود از شروع پروژه قرار می‌دهد.

مؤسسه تأمین مالی ضمن عقد خاص مشارکتی، سهم خود را از سود پروژه، به متقاضی تسهیلات که در واقع عامل عقد مشارکت است، طی عقد قباله واگذار می‌کند و متقاضی تسهیلات می‌پذیرد در مقابل دریافت سهم مؤسسه تأمین مالی از پروژه، مقدار معین محاسبه شده توسط مؤسسه تأمین مالی را به عنوان عوض آن سهم دریافتی، پرداخت نماید. بعد از پذیرش متقاضی تسهیلات، چندین حالت برای پروژه قابل تصویر است:

(الف) مقدار سود محقق شده برابر با همان مقدار انتظاری تخمینی باشد: در این صورت سود به دست آمده طبق درصد توافق شده بین طرفین تقسیم می‌شود؛

(ب) مقدار سود محقق شده بیشتر از مقدار انتظاری تخمینی باشد: در این صورت متقاضی تسهیلات موظف است فقط همان مقدار معین محاسبه شده توسط مؤسسه تأمین مالی را به او پرداخت نماید و بقیه آن را که بیشتر از مقدار محاسبه شده است، برای خود بردارد.

(ج) مقدار سود محقق شده کمتر از مقدار انتظاری تخمینی باشد: در این صورت متقاضی تسهیلات همچنان موظف است مقدار معین محاسبه شده توسط مؤسسه تأمین مالی را به او پرداخت نماید و بقیه آن را که کمتر از مقدار محاسبه شده است، برای خود بردارد.

د) مقدار سود محقق شده کمتر از مقدار انتظاری تخمینی باشد؛ به گونه‌ای که حتی مقدار سود محقق شده از مقدار سهم محاسبه شده مربوط به مؤسسه تأمین مالی کمتر شود. در این صورت متقاضی تسهیلات فقط موظف است همان مقدار سود محقق شده را به مؤسسه تأمین مالی پرداخت نماید و نسبت به مقدار مابه‌التفاوت با مقدار معین محاسبه شده، ضمانتی ندارد؛ زیرا تضمین ذکر شده در روایات، از این حالت خاص انصراف دارد و شامل این حالت نمی‌شود. تضمین در این حالت خاص، مخالف با مقتضای عقود مشارکتی است که ویژگی اصلی آن، تسهیم سود و ریسک است و مخالف با قاعده ربح خواهد بود؛ زیرا تضمین سود صاحب سرمایه به‌طور مطلق در عقود مشارکتی، مخالف فتوای فقهاست.

ه) سود نهایی محقق نشود یا اینکه سود نهایی بدون افراط و تفریط تلف شود؛ در این حالت هیچ‌کدام از طرفین عائدی به دست نیاورده و متقاضی تسهیلات نیز نسبت به مؤسسه تأمین مالی ضامن نخواهد بود.

و) نه تنها سود حاصل نمی‌شود، بلکه اصل سرمایه نیز زیان می‌بیند؛ در این حالت ضرر به مؤسسه تأمین مالی اصابت می‌کند و متقاضی تسهیلات که عامل کار بوده است، مستحق سودی نخواهد بود؛ زیرا شاخصه مهم عقود مشارکتی، مشارکت در سود و زیان است.

در روش پیشنهادی هرچند ممکن است کژمنشی به‌طور کلی برطرف نشود، اما در جلوگیری از آن نقش بسزایی خواهد داشت. از آنجایی که مؤسسه تأمین مالی، مقدار سود پیش‌بینی شده خود را از قبل، به عامل اعلام کرده، نسبت به سود محقق شده بیشتر از مقدار پیش‌بینی، استحقاقی ندارد. بنابراین عامل جهت سودآوری بالاتر، تلاش بیشتری می‌کند و انگیزه‌ای برای پنهان کردن عملکردش نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

استفاده از فرآیند تخمین سود نهایی و واگذاری سهم صاحب سرمایه با تقبّل عامل، می‌تواند یکی از راهکارهای اصلی در مدیریت کژمنشی عامل در عقود مشارکتی محسوب شود که در آموزه‌های فقهی مربوط به مزارعه به آن اشاره شده است. هرچند این راهکار قابلیت تعمیم به دیگر عقود مشارکتی را دارد، اما تاکنون در بانکداری اسلامی به آن توجه نشده است. در الگوی پیشنهادی، صاحب سرمایه در عقود مشارکتی، با واگذاری سهم خود در مقابل مقداری مشخص از محصول نهایی، به‌روشنی انگیزه عامل را برای تلاش بیشتر فراهم می‌کند. این مشوق به‌گونه‌ای قرارداد مشارکت را شکل می‌دهد که آن طرفی که کاری را عهده‌دار شده، به میل خودش، عملی را که

مورد قبول طرف دیگر است، انجام می‌دهد و در صورت تنبلی و سستی، فقط خودش را از سود نهایی محروم می‌کند. در این نوع قرارداد پیشنهاد شده، از طریق تشویق عامل، نوعی ریسک جدید بر دوش او قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که زمینه تلاش بیشتر او را فراهم می‌کند. الگوی پیشنهادی در عقود مشارکتی را می‌توان با بیان ریاضی به این صورت تبیین نمود:

عقد مشارکت بین مؤسسه تأمین مالی و متقاضی تسهیلات مشارکتی (عامل) منعقد می‌شود. فرض می‌شود در عقد مشارکت، نسبت سهم مؤسسه تأمین مالی X و سهم متقاضی تسهیلات $(1 - X)$ است. سود انتظاری پروژه به صورت M و سود محقق شده نهایی با حرف N نشان داده می‌شود. ذیل عقد مشارکتی، مؤسسه تأمین مالی سهم انتظاری خود را از پروژه به طرف مقابل واگذار می‌کند و متقاضی تسهیلات نیز می‌پذیرد معادل $X.M$ را به مؤسسه تأمین مالی پرداخت نماید. پس از انعقاد قرارداد حالت‌های مختلفی قابل تصویر است:

الف) اگر $N = M$ باشد: در این صورت عامل $(1 - X).N$ را برمی‌دارد و معادل $X.M$ را به طرف مقابل پرداخت می‌کند؛

ب) اگر $N > M$ باشد: در این صورت عامل موظف است فقط معادل $X.M$ را به طرف مقابل بدهد و بقیه آن که عبارت است از $N - X.M$ ، را برای خود عامل (متقاضی تسهیلات) خواهد بود؛

ج) اگر $X.M < N < M$ باشد: در این صورت عامل همچنان موظف است فقط معادل $X.M$ را به طرف مقابل بدهد و بقیه آن یعنی $N - X.M$ ، به متقاضی تسهیلات تعلق می‌گیرد؛

د) اگر $0 < N < X.M$ باشد: در این حالت متقاضی تسهیلات فقط N را به طرف مقابل می‌دهد و برای خودش سودی باقی نخواهد ماند. عامل نسبت به مقدار $X.M$ ، ضامن نخواهد بود؛ هـ): اگر $N = 0$ باشد: در این صورت هیچ عایدی به طرفین نمی‌رسد و عامل هم ضامن هیچ مقداری نخواهد بود؛

و) نه تنها سودی حاصل نشده است، بلکه به اصل سرمایه هم ضرر وارد شده است: در این حالت، ضرر به صاحب سرمایه وارد می‌شود و عامل هم به‌ازای کاری که انجام داده است، مستحق چیزی نخواهد بود.

منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲)، ترجمه تحریرالوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳. انس الزرقاء، محمد (۱۳۸۳)، «اسلامی کردن علم اقتصاد: مفهوم و روش»، ترجمه منصور زراءنژاد، مجله اقتصاد اسلامی، ۴(۱۵)، ص ۱۲۹-۱۵۳.
۴. بحرانی، یوسف (بی تا)، الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۵. بهاروندی، احمد و سید روح‌الله احمدی حاجی‌آبادی (۱۳۹۱)، «خطر اخلاقی و ارائه الگوی کاربردی کاهش آن در عقود مشارکتی»، ۱۷، ص ۵۹-۸۵.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، درس خارج فقه: مراجعه به آدرس اینترنتی: www.eshia.ir/feqh/archive/text/javadi/feqh/93
۷. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۸. ذوالفقاری، امیراحمد؛ رمضان‌علی مروی و ایرج توتونچیان (۱۳۹۹)، «نقش حافظه سیستم در اجرای صحیح قرارداد مشارکت بانکی در نظام بانکداری اسلامی»، اقتصاد اسلامی، ۲۵، ص ۲۱۹-۲۵۲.
۹. رنجبر، منصور (۱۳۹۷)، «مقایسه کارایی عقد مضاربه با روش‌های تأمین مالی متعارف - رویکرد اثر علامت‌دهی مؤلفه نسبت تسهیم سود»، فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، ۴(۱)، ص ۶۱-۸۴.
۱۰. زاهدی‌وفا، محمدهادی و قوامی، سیدحسن (۱۳۹۰)، «الگوی مضاربه بر مبنای الگوی مدیر عامل در شرایط کژمنشی»، مجله پژوهشنامه اقتصادی، ۱۱(۴)، ص ۲۵۵-۲۳۹.
۱۱. شاکری، محمدجمال، و محمد جواد توکلی (۱۳۹۷)، «تحلیل ماهیت عقود مشارکتی»، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، ۲۵۳، ص ۵۱-۶۰.
۱۲. صالح‌نیا، نفیسه؛ تقی ابراهیمی‌سالاری و علیرضا پویا (۱۳۹۶)، «تأثیر اختیارات بر کاهش عدم تقارن اطلاعات در بازار»، اقتصاد اسلامی، ۶۷، ص ۱۲۱-۱۳۹.
۱۳. صالحی، زهره و محمدرضا حیدری (۱۳۹۶)، «الگوی نظام مبادله در اقتصاد اسلامی (با پافشاری بر تقارن اطلاعات)»، اقتصاد اسلامی، ۶۵، ص ۱۱۹-۱۴۶.

۱۴. صدر، سیدکاظم (۱۳۸۴)، «انتخاب کارآمد ابزارهای مالی اسلامی و اطلاعات نامتقارن»، مجله نامه اقتصادی، ۱، ص ۷۹-۹۸.
۱۵. طالبی، محمد و حسن کیایی (۱۳۹۱)، «ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران»، مجله تحقیقات مالی اسلامی، ۲، ص ۳۷-۵۵.
۱۶. طغیانی، مهدی؛ سعید صمدی و زیبا صادقی (۱۳۹۴)، «تحلیل موضوع اطلاعات نامتقارن در قراردادهای مشارکتی بانکداری بدون ربا و راهکارهای آن»، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۳، ص ۵-۳۴.
۱۷. عبدلی، قهرمان؛ محسن مهرآرا و رضا محمدپور (۱۳۹۶)، «اخلاق در بانکداری اسلامی با تأکید بر نظریه اطلاعات نامتقارن: کاربری بازی‌های بیزین»، مجله مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۹، ص ۱۳۹-۱۶۰.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، چاپ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹)، کتاب الزکاة، قم: مرکز جهانی مطالعات اسلامی.
۲۰. نجفی (صاحب الجواهر)، محمد حسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۱. نصرآبادی، داود، و احمد شعبانی (۱۳۸۷)، «چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت در سود و زیان و راهکارهای آن»، مجله مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱، ص ۷۷-۱۱۲.
۲۲. نظریور، محمدنقی، و یحیی لطفی‌نیا (۱۳۹۳)، «اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی در بانکداری اسلامی به کمک صندوق‌های پروژه‌محور»، مجله تحقیقات مالی اسلامی، ۷، ص ۱۰۷-۱۳۴.
۲۳. هاشمی شاهرودی (۱۳۹۰)، درس خارج فقه، رجوع به آدرس اینترنتی:
ww.eshia.ir/feqh/archive/text/shahroudi/feqh/90
۲۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۱۸)، قاعده بطلان ربح مالم یضمن، نشریه منهاج، ۶، ص ۷-۴۴.
۲۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۳۲)، کتاب المضاربه، قم: بنیاد فقه و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام).
۲۶. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی (۱۴۱۶)، مصباح الفقیه، قم: مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۷. یوسفی، احمد؛ کمیل قنبرزاده و علیرضا کلاهدوزان (۱۴۰۱)، «بررسی فقهی کسب سود بدون قبول ریسک»، اقتصاد اسلامی، ۸۷، ص ۵-۲۲.
28. Warde, Ibrahim (2000), *Islamic Finance in the Global Economy*, UK: Edinburgh University Press.
29. Watt, Richard (2011), *The Microeconomics of Risk and Information*, US: Palgrave Macmillan.